

عوامل مؤثر بر نگرش زنان به مشارکت اجتماعی در استان گلستان

حسین کردی*

توجه به نیازهای گروههای اجتماعی بر اساس ویژگیهای آنان است. زنان، به عنوان جمعیتی که ویژگی و تواناییهای خاصی دارند، در کانون توجهات اندیشمندان اجتماعی قرار گرفتند. به نظر این اندیشمندان در حال حاضر حرکتی از سوی زنان دارد شکل می‌گیرد که می‌تواند منجر به یک تحول عمیق در جوامع گردد.

وجه مشخصه زنان در دهه‌های اخیر درخواستهای اجتماعی و مطالبات آنان است که مسبوق به سابقه نیست. زن امروز با گذشته خود تفاوت بسیار دارد. اندیشه استقلال و قدرت تصمیم‌گیری زنان امروز را متقاضی دخالت در امور اجتماعی و شرکت در فعالیتهای زندگی کرده است؛ به طوری که دستیابی به موضهای قدرت اجتماعی و اقتصادی حتی سیاسی از ویژگیهای بارز زنان امروز در جهان به شمار می‌رود.

سازمان ملل دهه ۱۹۸۵-۱۹۷۵ را دهه زنان نام داد. در

چکیده: سنجش نگرش زنان استان گلستان به مشارکت اجتماعی موضوع این پژوهش است.^۱ جامعه آماری این تحقیق زنان استان در گروه سنی ۱۵-۵۹ ساله‌اند. نمونه‌ای از ۸۵۷ نفر، به تفکیک مناطق شهری و روستایی، انتخاب و با روش پیمایشی حضوری داده‌ها جمع‌آوری شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که اگرچه با توجه به نوع مشارکت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) نگرش زنان متفاوت است، به طور کلی، بیشتر زنان نگرش موافق با مشارکت اجتماعی دارند.

در این باب میزان تحصیلات نقش اساسی دارد؛ به طوری که ویژگیهای اجتماعی دیگر، مانند وضعیت تأهل، قومیت، نوع مذهب را تحت‌الشعاع خود قراردادده است. زنان با قومیتهای متفاوت در نگرش تفاوت ندارند و نوع مذهب نیز سبب نگرش متفاوتی نمی‌شود. همچنین تفاوت چندانی بین زنان شهری و روستایی، متأهل و مجرد و شاغل و خانه‌دار دیده نمی‌شود.

کلیده‌واژه: نگرش زنان، مشارکت اجتماعی.

مقدمه

یکی از پیامدهای تحولات اجتماعی در دهه‌های اخیر

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز بهشهر.

۱. این طرح با حمایت و پشتیبانی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان انجام شده است. پژوهشگر از شورای پژوهشی آن اداره کل قدردانی و سپاسگزاری می‌کند.

زنان در ممالک متفاوت، در دوره‌های مختلف تاریخی، هر چند در مشارکتهای اجتماعی نقش داشته‌اند، جایگاه اجتماعی مناسبی نداشتند. زنان در عصر ترقی ملت یونان فاقد شخصیت اجتماعی بودند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۵: ۱۰)، و در روم باستان زنان، به عنوان برده، خرید و فروش می‌شدند (علویقی، ۱۳۵۷: ۲۷). در اعراب دوره جاهلیت برای زنان استقلال قائل نبودند (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۴۴). در ایران باستان زن شخصیت حقوقی نداشت (قائم‌مقامی، همان‌جا) و بر جامعه نظام مردسالاری حاکمه بوده است (شعبانی، ۱۳۷۵: ۹۳). به گفته ژوستن، مورخ سده دوم میلادی، به دنبال حکومت امپراتوری هخامنشی و تسلط اشکانیان وضع زنان بهتر از گذشته نبود (علویقی، همان: ۷۴).

از حدود آزادی و موقعیت اجتماعی زنان در ایران بعد از اسلام اطلاعات دقیقی در دست نیست. ظاهراً، همان‌طوری که امروز موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در سراسر ایران یکسان نیست، چنین اختلافاتی بر حسب موقعیت محل و عرف و عادات و سنن محلی بین زنان ایران وجود داشته است (راوندی، ۱۳۵۶: ۶۳۷).

در دوره قاجار گرایش به آموزش مهمترین گام زن ایرانی در راه کسب آزادی بود و مدارس تأسیس شد که دختران حق تحصیل در آن را داشتند (علویقی، همان: ۴۰). در این دوره، نشریات مسائلی زنان را با روندی خاص طرح کردند و یکی از نمایندگان مجلس موضوع رأی زنان را به مجلس تقدیم داشت (کیهانی، ۱۳۸۱: ۶۸) و زنان، با اعتراض به ناصرالدین شاه، حضور سیاسی خود را به نمایش گذاشتند (راوندی، ۱۳۵۶: ۷۳۵). مورگان شوستر کوششها و خدمات زنان ایرانی را در تحقق انقلاب مشروطیت می‌ستاید و می‌گوید که زنان محبوب ایرانی که تجربه سیاسی و اجتماعی چندان نداشتند یک شبه ره صدساله را پیمودند و به کارهای مهمی چون

این دهه قوانین زیادی در دفاع از حقوق زنان تصویب شده است که بر اساس آنها مناسبات اجتماعی تغییر کرده و روابط اجتماعی گذشته تحت الشعاع قرار گرفته است. در نهادهای اصلی اجتماعی، چون خانواده و آموزش و پرورش و حتی دولت‌ها تأثیر شگرفی گذاشته و تغییر ساختاری در این نهادها به وجود آورده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۱؛ پروزیخت، ۱۳۷۴: ۱۲؛ آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۰۰؛ نظری، ۱۳۸۰: ۱۷؛ شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۱۲۷؛ فردرو، ۱۳۸۱: ۹۶؛ Giddense, 1992).

برخی از جامعه‌شناسان قرن ۲۱ را قرن زنان می‌دانند و در تبیین جایگاه و پایگاه و نقش و باورها و نگرشهای این گروه کوشیدند. تاکنون در این باب مطالعات و تحقیقات بسیاری شده و هنوز هم ادامه دارد. نتایج اولیه این مطالعات نشان می‌دهد که دنیای آینده با چالش جدی در خصوص این موضوع روبه‌روست (تورن، ۱۳۸۱: ۱۵۴؛ Giddense, 1992).

طرح مسئله

مشارکت اجتماعی فرآیندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به عنوان عضو جامعه، در صحنه‌های اجتماعی و ایفای نقش یا نقشهای اجتماعی که به وی محول می‌شود و در غالب رفتارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بروز می‌کند. میزان مشارکت اجتماعی زنان ناشی از باورها و نگرشهای آنان در خصوص این موضوع است. شناخت این نگرشها و عوامل تأثیرگذار بر آن در ارائه راهکارها و برنامه‌ریزیهای اجتماعی اهمیت بسیار دارد؛ از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش سنجش نگرش زنان استان گلستان در باب مشارکت اجتماعی و تبیین عوامل مؤثر بر آن است.

زمینه تحقیق

مروری بر جایگاه زن در بستر تاریخ نشان می‌دهد

می‌شود (مطیع، ۱۳۵۲: ۲۰) فمینیست‌های لیبرال علیه قوانین و سنت‌هایی مبارزه کرده‌اند که حق رأی را به مردان می‌دهند و به زنان نمی‌دهند. اینان معتقدند تفاوت‌های دو جنس مخالف ذاتی نیست؛ بلکه نتیجه جامعه‌پذیری و همگون‌سازی جنس و نقش است (آبوت و والاس، همان: ۲۸۸).

فمینیست‌های مارکسیست، به طور اخص، سرمایه‌داری را مسئول ظلم و ستم به زنان در خانه‌داری و کارهای تولیدی آنان می‌دانند (مطیع، همان: ۱۳۱). در دیدگاه رادیکالیست‌ها شخصیت زنان و مردان و پایگاه آنان در ارتباط با نقش اقتصادی آنها مورد توجه قرار می‌گیرد (شرمن و وود، ۱۳۶۸: ۱۴۱). از دهه ۷۰ به بعد گروهی متأثر از دیدگاه‌های پست مدرنیستی، با تکیه بر روانشناسی رفتارگرایانه، بر حفظ ویژگی‌های زنانگی تأکید ورزیدند و آنان معتقدند که نوع روابطی که از بدو تولد، میان دختر و پسر تفاوت و تفارق ایجاد می‌کند سبب سلطه بر زنان شده است (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

به نظر می‌رسد که فمینیسم نیز گونه‌ای ایدئولوژی است و متعصبانه، بر نفی هرگونه تمایز میان زن و مرد اصرار دارد و برای زنان حقی مساوی و مشابه با مردان در حوزه عمومی قائل است. دومین کژراهه‌ای که فمینیسم و اندیشه‌های متعلق به آن پیموده است عدم توجه به واقعیت و ظرفیت پذیرش این اندیشه‌هاست؛ تا چه حد زنان و مردان جهان با این الگوها خود را قرین و عجین می‌بینند. دومین واقعیت مهم که اندیشه‌های فمینیستی به آن دامن می‌زنند بحران مطلوبیت هویت زنانه و به هم ریختگی و آشفتگی روابط جنسی است (صفائی، ۱۳۸۰: ۲۲۳-۲۲۵).

از مکاتب دیگر جامعه‌شناسی که در مورد نقش اجتماعی زنان می‌توان از آن نام برد کارکردگرایی است. پارسونز از جامعه‌شناسان این دیدگاه، ضمن

روزنامه‌نگاری، تأسیس باشگاه زنان، مبارزات سیاسی دست زدند (آفاری، ۱۳۷۷: ۷۰). بنابراین، در ایران سابقه تغییر نگرش به وضعیت زنان به اواخر قرن ۱۹ و به خصوص، انقلاب مشروطیت برمی‌گردد.

پس از صنعتی شدن اروپا مسئله حقوق زنان از طریق بیانیه‌ها و نشریات، به طور جدی مطرح شد. مجله زنان (۱۸۴۸-۱۸۳۶) اعلامیه حقوق و وظایف زنان را منتشر کرد (کیهانی، ۱۳۸۱: ۶۷). در فرانسه، به دنبال انقلاب، جنبش زنان با اعلامیه المپ دوگوژ آغاز شد (علویقی، همان: ۴۹).

موریس دو ورژه در مورد نقش زنان در جوامع غربی می‌نویسد: وضع حقوقی روابط زن و مرد که در آمریکا مرد را بازیچه زن می‌سازد، به هیچ‌وجه، از وضع حقوقی فرانسه، که زن را بازیچه مرد می‌کند؛ یا وضع حقوقی ایتالیایی که هر دو را در ریاکاری دائمی محبوس می‌کند رضایت‌بخش‌تر نیست. تضادهایی که از این مبارزه جنسها حادث می‌شود با اینکه مستقیماً هم سیاسی نیست اهمیت بزرگی در سراسر زندگی اجتماعی دارد (راوندی، همان: ۷۳۲).

دیدگاه‌های معاصر در مورد زنان

با پایان یافتن قرون وسطی در اروپا و آغاز جنبش‌های اجتماعی در دنیا اندیشمندان علوم اجتماعی دیدگاه‌های نوین در باب زنان مطرح کردند که بی‌شک بی‌تأثیر از وضعیت زنان در گذشته نبود؛ از جمله دیدگاه فمینیستی که نخستین بار در زمان انقلاب انگلستان پدیدار شد (سیدان، ۱۳۸۰: ۹۳). فرهنگ وبستر این کلمه را چنین تعریف می‌کند: آئینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است (کیهانی، همان: ۶۵).

فمینیسم یک رویکرد عملی یا اجتماعی واحد نیست و به شاخه‌های متعددی چون لیبرال، مارکسیست، روانکاو و رادیکال و فرامدرن تقسیم

هستند و از آنان انتظار می‌رود که چنین شخصیتی داشته باشند و نتیجه می‌گیرد که برخی از رفتارها را خاص زنان و پاره‌ای دیگر را مردانه دانستن هیچ پایه و اساسی ندارد (همان: ۱۳۸).

نقش خانواده در این فرایند بسیار با اهمیت است. روندهای تربیتی خانواده منتهای زنانه و مردانه را در فرزندان نهادینه می‌کند و این روند در آموزشهای مدرسه‌ای ادامه دارد. ویل اسپیندر (۱۹۸۰) می‌گوید که نظام آموزشی دانش خنثی نیست و فرضیات مردانه درباره جهان را بازتاب می‌دهد (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

بررسیهای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۷۳) در مورد کتابهای درسی دوران ابتدایی نشان می‌دهد که بسیاری از اسامی این کتابها مردانه هستند و فعالیتهایی که در کتابهای درسی از آنها یادشده اغلب مردانه است و یا در واقع مشاغل مردان خارج از منزل است و زنان در حال انجام کارهای خانه هستند (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

بنابراین، شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه جایگاه و نقش زنان را، با توسل به فرایند اجتماعی شدن آنان، تعیین می‌کند.

چارچوب نظری پژوهش

تفاوتهای شخصیتی میان مرد و زن مبتنی بر خلاقیتهای فرهنگی است. هر نسل، برای هم‌نوایی با جامعه، بر اساس آن تربیت شده است. این ویژگیها در تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. زنان و مردان در هر جامعه‌ای به شیوه‌ای متفاوت رفتار می‌کنند؛ زیرا آنان دارای شخصیتی هستند و از آنان انتظار می‌رود که چنین شخصیتی داشته باشند، لذا نقش اجتماعی و جایگاه هر فرد در نظام اجتماعی توسط ویژگیهای فرهنگی (باورها، عقاید، نگرشها) و نحوه و میزان اجتماعی شدن و شکل‌پذیری

بررسی کارکردهای خانواده، بحث تقسیم کار را مطرح می‌کند و معتقد است که تقسیم کار بر اساس جنس صورت می‌گیرد. او مرد را نان‌آور خانواده می‌داند و وسیله جهت‌دهنده اهداف زندگی و زن را همسری که وظیفه‌اش ایجاد رضایت همه اعضای خانواده است (عنایت، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

در دیدگاه این جامعه‌شناسان زنانی که تحت تأثیر جنبش آزادی زنان قرار گرفته‌اند خانواده را دچار آشفتگی ساخته و مسائل زیر را به وجود آورده‌اند: کاهش عشق و علاقه، دقت کمتر نسبت به تربیت و نگهداری اطفال، افزایش خلاف کاری میان نوجوانان و... (شرمن و وود، ۱۳۶۸: ۱۳۵).

با مرور بحثهای گذشته به نکته نظری مشترک می‌توان دست یافت و آن اینکه همه دیدگاهها معتقدند جامعه مدلهای زندگی (زن) را برای زیستن طراحی می‌نماید؛ به عبارت دیگر فرد (زن) از آغاز تولد و در فرآیند زندگی اجتماعی شیوه‌های زندگی کردن را یاد می‌گیرد که در اثر آن انسان (زن) مبدل به عضو فعال جامعه‌ای می‌شود که در آن به دنیا آمده است. گیدنز این فرآیند را جامعه‌پذیری می‌نامد که سبب خودآگاهی تدریجی فرد از شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد شده است می‌شود (۱۳۷۹: ۸۶).

بنابراین، تفاوتهای شخصیتی (رفتاری) استاندارد شده میان افراد (دو جنس) مبتنی بر خلاقیتهای فرهنگی است که هر نسل (مرد یا زن)، برای هم‌نوایی با جامعه، بر اساس آن تربیت شده است. این ویژگیها تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. هر طفلی به هر جهتی می‌تواند سوق داده شود. این امر بستگی به جامعه‌ای دارد که وی در آن رشد می‌کند (شرمن و وود، ۱۳۶۸: ۱۴۰).

مطالعات مارگارت مید در باب اقوام ابتدایی در گینه جدید مؤید این ادعاست. وی معتقد است که در میان قوم مورد مطالعه زنان و مردان دارای شخصیتی

شخصیت و خصوصیات جسمانی آنان مشخص می‌گردد.

بنابراین، زنان به عنوان عناصری از نظام اجتماعی، با پذیرش الگوی فرهنگی جامعه در جستجوی جایگاه خویش در فضای اجتماعی می‌باشند. طبیعی است که این جنس، با توجه به ویژگیهای متفاوتی که دارد (سن، مواد، وضعیت تأهل، مذهب،...) کنش و واکنش خاصی را بروز خواهد داد. او، به عنوان کنشگر اجتماعی، رفتاری را بروز می‌دهد که یاد گرفته است و از او برابر الگوهای فرهنگی انتظار می‌رود. این فرایند سبب تداوم و ثبات نظام اجتماعی می‌شود؛ به طوری که کنشگران (زنان) با دنبال کردن منافع خود به مصالح کلی نظام اجتماعی خدمت می‌کنند.

فرضیه‌ها

فرض اساسی پژوهش حاضر این است که نگرش زنان به مشارکت اجتماعی مثبت است. به دنبال این فرض عوامل مؤثر بر نگرش در قالب فرضیه‌های زیر به آزمون در خواهد آمد:

- سن زنان با نگرش آنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (گروههای سنی متفاوت نگرش متفاوتی به مشارکت اجتماعی دارند).

- سطح سواد زنان با نگرش آنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (سطوح متفاوت سواد زنان سبب تفاوت در نگرش آنان به مشارکت اجتماعی می‌شود).

- وضعیت تأهل زنان با نگرش آنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (نگرش زنان متأهل با نگرش زنان مجرد در باب مشارکت اجتماعی متفاوت است).

- شاغل بودن با نگرش زنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (نگرش زنان شاغل به مشارکت اجتماعی با زنان غیرشاغل، یعنی خانه‌دار، متفاوت

است.

- محل تولد (شهر، روستا) زنان با نگرش آنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (نگرش زنان متولد شهر به مشارکت اجتماعی با نگرش زنان متولد روستا متفاوت است).

- محل سکونت (شهر، روستا) زنان با نگرش آنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (نگرش زنان شهرنشین به مشارکت اجتماعی با نگرش زنان روستانشین متفاوت است).

- نوع مذهب (شیعه، سنی) زنان با نگرش آنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (تفاوت نوع مذهب زنان موجب تفاوت در نگرش آنان به مشارکت اجتماعی می‌شود).

- شغل پدر با نگرش دختران نسبت به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (تفاوت در نوع شغل پدر سبب تفاوت در نگرش دختران به مشارکت اجتماعی می‌شود).

- شغل همسر با نگرش زنان به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (تفاوت در نوع شغل همسر سبب تفاوت در نگرش زنان به مشارکت اجتماعی می‌شود).

- شغل مادر با نگرش دختران به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (تفاوت در نوع شغل مادر موجب تفاوت در نگرش دختران نسبت به مشارکت اجتماعی می‌شود).

- زنان اقوام متفاوت در استان گلستان نگرش متفاوتی به مشارکت اجتماعی دارند.

- زنان مناطق مختلف (شهرستانهای) استان نگرش متفاوتی به مشارکت اجتماعی دارند.

روش‌شناسی

جامعه آماری: شامل زنان ۱۵-۵۹ ساله مناطق شهری و روستایی استان گلستان است که به تفکیک،

شماره (۱) این موضوع را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی میزان نگرش به مشارکت اجتماعی

نمرات	گزینه‌ها	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۴	کاملاً موافقم	۱۶۴	۱۹/۱
۳	تا حدودی موافقم	۵۰۸	۵۹/۳
۲	تا حدودی مخالفم	۱۶۴	۱۹/۱
۱	کاملاً مخالفم	۲۱	۲/۵
	جمع	۸۵۷	۱۰۰

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، بیشتر زنان نگرش مثبت به مشارکت اجتماعی دارند؛ به طوری که حدود ۸۰ درصد آنان گزینه تا حدودی موافقم و کاملاً موافقم را انتخاب کردند. جدول شماره (۲) نگرش موافق زنان را نسبت به مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، واضحتر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. میزان مشارکت اجتماعی بر اساس مقیاس بندی نمرات نگرش

نما	میانگین	میانه
۳/۰۰	۳/۰۰	۲/۹۵

این جدول نشان می‌دهد که متوسط نمرات پاسخها گرایش به موافقت با مشارکت اجتماعی، و میانگین نمرات پاسخها به سمت کاملاً موافقم گرایش دارد. بنابراین، جدولهای (۱) و (۲) نشان می‌دهند که زنان استان گلستان، به طور کلی، نگرش موافق به مشارکت اجتماعی دارند. هر چند تفاوت در نگرش زنان، با توجه به ابعاد مشارکت اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) مشاهده می‌شود. جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که میزان گرایش مشارکت اقتصادی بالاترین نمره را از آن خود کرده است.

جمعیت زنان شهرنشین برابر ۱۶۲۴۲۷ نفر و زنان روستایی ۲۱۹۵۳۶ نفر بوده‌اند؛ بنابراین، جامعه آماری این مطالعه برابر ۳۸۱۹۶۳ شمارش شده‌اند. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان، ۱۳۸۰: ۷۰)

نمونه آماری: با استفاده از فرمول منطقی کوکران حجم نمونه مورد مطالعه با درصدی افزایش، در مناطق شهری برابر ۳۶۴ نفر؛ در مناطق روستایی برابر ۴۹۳ نفر برآورد انتخاب شدند. آنگاه، با توجه به محدوده جغرافیایی (شهر و روستا)، سهم هر یک از شهرستانها به تفکیک در نمونه مورد لحاظ قرار گرفتند. در محدوده شهرستان از تمامی شهرها نمونه انتخاب شد. در مناطق روستایی، همه مراکز دهستانها مشمول نمونه شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات: با توجه به اینکه شیوه پژوهش پیمایشی بوده، ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه بوده است. با مطالعه پژوهشها و همچنین، مطالعه مقدماتی منطقه به این نتیجه رسیدیم که مناسبترین نوع مقیاس اندازه‌گیری نگرشها، استفاده از طیف لیکرت است که با استفاده از فرمول کرون باخ، با ضریب برابر ۰/۷۹۷۳ روایی آن تأیید شد.

روشهای تجزیه و تحلیل: با توجه به اهداف و فرضیه‌های تحقیق، برای تجزیه و تحلیل آماری از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. بر اساس ابزار پژوهش به گزینه‌های طراحی شده وزن داده شده؛ بدین صورت که کاملاً موافقم برابر ۴، تا حدودی موافقم برابر ۳، تا حدودی مخالفم برابر ۲ و کاملاً مخالفم برابر ۱ تلقی شدند. پس از سنجش میزان نگرش در خصوص متغیرهای تأثیرگذار، با توسل به آماره‌های مناسب، فرضیه‌ها به آزمون درآمدند.

یافته‌ها

میزان نگرش به مشارکت اجتماعی
باتوجه به اینکه هدف اصلی پژوهش سنجش نگرش زنان در باب مشارکت اجتماعی بوده است، جدول

کتابی و قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۶).

ولی نگرش زنان به مشارکت اقتصادی، چون سبب استقلال مالی آنان می‌شود، درخواست اولیه آنان است. بسیاری از مطالعات نشان داده است که زنان تنها راه افزایش امنیت اجتماعی خویش را مشارکت در امور اقتصادی می‌دانند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰؛ سلطان‌محمدی، ۱۳۸۰)؛ از این‌رو، به گمان زنان، افزایش میزان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی برای دستیابی به نقش فعال در عرصه اجتماعی اهمیت درجه اول دارد. بسیاری از زنان مورد مطالعه، براساس داده‌های تحقیق، مشارکت در امور اقتصادی را زمینه‌ساز مشارکتهای فرهنگی و سیاسی قلمداد می‌کنند و حتی آنهایی که در امور سیاسی و فرهنگی فعال هستند احساس رضایت اجتماعی ندارند. ایشان معتقدند که ایفای نقش اجتماعی و به دست آوردن جایگاه مناسب اجتماعی آنان فقط در گرو مشارکت در فعالیتهای اقتصادی است.

بدیهی است که شکل‌گیری این نوع نگرش به مشارکت اجتماعی نتیجه نوع بینشی است که در فضای اجتماعی جامعه غالب است؛ به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که زنان به نوعی اجتماعی شدن که بر اساس آن صرفاً نقش اقتصادی آنان اهمیت دارد، تمایل دارند. زنی موفق است که بتواند در خارج از خانه درآمد داشته باشد و فعالیتهای دیگر (فرهنگی، سیاسی) چنانچه درآمدزا نباشد مشارکت محسوب نمی‌شود. این نوع نگرش نتیجه کارکرد نهادهای اجتماعی‌کننده (از جمله خانواده، رسانه‌های گروهی، آموزش و پرورش) است.

چنانکه دیدگاههای فمینیستی، که به نام نظریه دفاع از حقوق زنان، بر خود مختاری آنان در عرصه اجتماع تأکید دارند (صفائی، ۱۳۸۰) و این را از طریق نوع جامعه‌پذیری و همگون‌سازی جنس و نقش ممکن می‌دانند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰)؛ و نئومارکسیستها؛ که زن در خانه را به

جدول شماره ۳. مقایسه میزان نگرش بر حسب نوع مشارکت اجتماعی

فرهنگی	سیاسی	اقتصادی	آماری
۳/۰	۲/۲	۳/۴	میان
۳/۰	۳/۱	۳/۴	میانگین
۲/۹	۳	۳/۶	نما
۰/۳۸۹۷	۰/۵۶۰۳	۲۷۶۸	انحراف استاندارد

نتایج این تحقیق بررسیهای گذشته درباب مشارکت اجتماعی زنان را تأیید می‌کند؛ از جمله، پژوهش لهستانی‌زاده و عظیمی درباب عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی (۱۳۸۰) و مطالعات بسیاری که درباب مشارکت اقتصادی زنان شده است (از جمله، نک: ساروخانی، ۱۳۷۰؛ پیروزیخت، ۱۳۷۴؛ توکلی خمینی، ۱۳۷۵؛ احمدنیا، ۱۳۸۱).

همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود میزان موافقت در نگرش زنان استان گلستان با فعالیتهای سیاسی، در مقایسه با مشارکت فرهنگی، بالاتر است. دو نکته در توجیه این موضوع قابل بیان است: اول اینکه، به نظر می‌رسد زوایای مشارکت در نهادهای فرهنگی برای زنان مشخص نشده است؛ دوم اینکه، همانطور که تحقیقات گذشته (از جمله، سیادت‌نسب، ۱۳۸۰؛ عقیلی، ۱۳۸۰) نشان داده است، مشارکت سیاسی زنان یک استراتژی گروهی است؛ به عبارت دیگر، شرکت زنان در فعالیتهای سیاسی، با توجه به ساختار فرهنگی و خانوادگی در این استان، نشان‌دهنده هویت فردی زنان نیست. چرا که از شاخصهای اصلی مشارکت سیاسی زنان در این منطقه مشارکت در رأی دادن است (نجفی‌نژاد، ۱۳۸۴). بدیهی است که این نوع مشارکت چندان ایفای نقش مشارکت جو قلمداد نمی‌شود؛ زیرا رأی دادن کمترین شکل مشارکت سیاسی است (راش، ۱۳۸۱: ۱۲۴؛ صبوری، ۱۳۸۱: ۱۴۱؛

جدول شماره ۴. تجزیه و تحلیل پراکنش بر حسب گروه‌های سنی

DF	F	سطح معنی‌داری
۸۴۸	۴/۵۹۴	۰/۹۹۹

جدول شماره ۵. نگرش زنان نسبت به مشارکت اجتماعی بر حسب گروه‌های سنی

گروه سنی	Mean rank
۱۵-۱۹	۴۲/۱۴۵
۲۰-۲۴	۴۳۳/۱۲
۲۵-۲۹	۴۶۵/۲۲
۳۰-۳۴	۴۶۴/۴۸
۳۵-۳۹	۴۵۴/۷۵
۴۰-۴۴	۴۳۲/۲۴
۴۵-۴۹	۴۱۴/۸۹
۵۰-۵۴	۲۸۹/۸۴
۵۵-۵۹	۳۲۸/۵۳

فرضیه دوم در مورد رابطه بین میزان تحصیلات با نگرش زنان به مشارکت اجتماعی تدوین شده است. جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات میزان نگرش موافق به مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۶. میزان نگرش زنان به مشارکت اجتماعی بر حسب میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	Mean rank	Chi-squar	معنی‌داری
بیسواد	۲۹۳/۵۹	۸۷/۹۶	۰/۹۹۹
ابتدائی	۳۶۲/۸۸		
راهنمایی	۴۱۰/۷۵		
متوسطه	۴۴۷/۹۶		
عالی	۵۵۲/۵۶		

فرضیه‌های مربوط به وضعیت تأهل، اشتغال زنان، محل تولد، محل سکونت و نوع مذهب، همانطور که در جدول شماره (۸) ملاحظه می‌شود، به آزمون درآمد.

علت اینکه ارزش مصرف تولید می‌کند نه ارزش افزوده نمی‌پذیرند و معتقدند زنانی که اشتغال درآمدزا ندارند نمی‌توانند جایگاه طبقاتی داشته باشند؛ از این رو، نقش حاشیه‌ای در جامعه دارند (همان) و رادیکالیست‌ها که معتقدند مهمترین معرف پایگاه زن در هر مکانی میزان مشارکت او در زندگی اقتصادی و کنترل او بر دارایی و محصولاتی است که تولید می‌کند (شرمن و وود، ۱۳۶۹: ۱۴۱).

در دنباله بحث در چهارچوب فرضیه‌های تحقیق عوامل مؤثر بر این نوع نگرش بررسی می‌شود. ما در این مطالعه بر این باور بودیم که گروه‌های سنی متفاوت نگرش متفاوتی به مشارکت اجتماعی دارند (نک: جدول شماره (۴)). همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود فرضیه یادشده تأیید شده است و آزمون کراسکال والیس نشان داده است که با افزایش سن، گرایش به مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد؛ ولی این روند تا گروه سنی میانی ادامه دارد و سپس کاهش می‌یابد.

جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که بین نگرش و سن رابطه وجود ندارد ولی بین نگرش و سواد رابطه وجود دارد. رابطه بین سن و سواد معکوس است.

جدول شماره ۷. همبستگی بین سن و سواد و نگرش

متغیر	سن	سواد
نگرش	۰/۰۵۳ (۰/۱۲۳)	۰/۳۱۰* (۰/۹۹۹)
سن	۱	-۰/۳۸۵* (۰/۹۹۹)

* معنی دار می باشد.

جدول شماره ۸. رابطه بین وضعیت تأهل و اشتغال، محل تولد و محل سکونت و نوع مذهب با نگرش

نوع آزمون	متغیر	معنی داری	Mean-rank
Mann-whitney	وضعیت تأهل	۰/۱۵۴	مجرد ۴۴۱/۷۵
			متأهل ۴۲۰/۱۶
Mann-whitney	وضعیت اشتغال	۰/۹۹۹	خانه دار ۴۰۹/۶۹
			شاغل ۵۲۲۹/۵۹
Mann-whitney	محل تولد	۰/۹۹۹	شهر ۴۵۵/۱۱
			روستا ۴۰۰/۹۳
Mann-whitney	محل سکونت	۰/۹۹۹	شهر ۴۴۴/۷۳
			روستا ۴۱۱/۲۷
Mann-whitney	نوع مذهب	۰/۵۵۵	شیعه ۴۲۵/۴۹
			سنی ۴۳۴/۵۳

همانطور که ملاحظه می شود بین وضعیت تأهل و فعالیتهای اجتماعی دارند. و نگرش و بین مذهب و نگرش رابطه معنی داری مشاهده نمی شود؛ ولی بین وضعیت اشتغال زنان با نگرش، بین محل تولد و محل سکونت با نگرش رابطه معنی داری وجود دارد.

چند نکته در خصوص نتایج این آزمون درخور توجه است. اول اینکه، زنان مجرد و متأهل در استان گلستان دیدگاه یکسانی به مشارکت اجتماعی دارند. دوم اینکه، زنان اهل تشیع و تسنن دیدگاه مشابه به مشارکت اجتماعی دارند؛ به عبارت دیگر، مطالبات زنان شیعه و سنی در باب مشارکت اجتماعی تفاوتی ندارد. این نتیجه با مطالعات قبلی در باب اشتغال زنان در استان گلستان هماهنگی دارد (نظری، ۱۳۸۰). سوم اینکه، زنان شاغل نگرش موافقتی نسبت به زنان خانه دار در باب مشارکت اجتماعی دارند و زنان شهرنشین نسبت به زنان روستائین نگرش موافقتی

جدول شماره ۹. تفاوت در نگرش بر حسب شغل پدر، شغل همسر، شغل مادر، قومیت

متغیر	F	معنی داری
شغل پدر	۲/۴۷۶	۰/۹۹۹
شغل همسر	۳/۱۰۸	۰/۹۹۹
شغل مادر	۰/۰۹۸	۰/۷۵۴
قومیت	۱/۴۷۶	۰/۱۷۲

این جدول نشان می دهد که تفاوت در شغل پدر و همسر سبب تفاوت در نگرش به مشارکت اجتماعی می شود؛ ولی شغل مادر و نوع قومیت سبب تفاوت در نگرش به مشارکت اجتماعی نمی شود. نکته

تحلیل رگرسیونی

برای تبیین میزان تأثیرپذیری نوع نگرش متغیرهای مورد بررسی از تکنیک رگرسیون چندگانه استفاده شده است (جدول شماره (۱۱)). همانطور که در این جدول آورده شده است، تأثیر کلیه متغیرهای مورد مطالعه بر متغیر نگرش مدنظر قرار گرفته است. بررسی جدول نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین متغیرهای نامبرده مشاهده نمی‌شود ($R=0/381$). با توجه به مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0/145$) و معنی‌دار بودن صرفاً متغیرهای سواد، وضعیت تأهل و شغل پدر، متغیرهای دیگر کمکی به تبیین میزان نگرش به مشارکت اجتماعی نمی‌کنند.

همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود بهترین تبیین‌کننده میزان نگرش زنان به مشارکت اجتماعی میزان تحصیلات آنان است ($Beta=0/371$) که این نتیجه با مطالعه نگارنده در یکی از شهرهای استان گلستان در سال ۱۳۷۹ و مطالعات در سطح جهان (آبوت و والاس، ۱۳۸۰) و بررسی در سطح ایران (شادی‌طلب، ۱۳۸۰) و استان گلستان (نظری، ۱۳۸۰؛ عقیلی، ۱۳۸۰) همخوانی دارد.

درخور توجه در جدول این است که در اقوام مختلف استان گلستان نگرش زنان به مشارکت اجتماعی متفاوت نیست؛ به عبارت دیگر، اقوام مختلف در استان یادشده نگرش یکسانی به مشارکت اجتماعی دارند.

جدول شماره (۱۰) پاسخ به این سؤال تحقیق است که آیا در مناطق مختلف جغرافیایی استان (شهرستانها، شهرها، روستاها) در نگرش به مشارکت اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۱۰. تفاوت نگرش برحسب مناطق جغرافیایی

مناطق جغرافیایی	F	معنی‌داری
شهرستانها	۲/۵۳۴	۰/۹۹۹
شهرها	۱/۰۶۱	۰/۳۸۷
روستاها	۲/۳۱۳	۰/۹۹۹

همانطور که در این جدول نشان داده شده است تفاوت معنی‌داری بین زنان شهرستانهای استان گلستان در نگرش به مشارکت اجتماعی مشاهده می‌شود. همچنین، در مناطق روستایی این پدیده قابل مشاهده است؛ ولی در مناطق شهری تفاوت بین زنان در باب مشارکت اجتماعی ملاحظه نمی‌شود.

جدول شماره ۱۱. میزان همبستگی نگرش با متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	B	Beta	معنی‌داری	R	R^2
سن	۴/۸۶۸	۰/۰۷۷	۰/۱۱۳	۰/۳۸۱	۰/۱۴۵
سواد	۰/۶۱۹	۰/۳۷۱	۰/۹۹۹		
وضعیت تأهل	۱/۴۲۴	۰/۰۹۹	۰/۹۹۹		
وضعیت فعالیت	۰/۳۸۷	۰/۰۲۰	۰/۶۰۵		
محل تولد	۰/۴۴۳	-۰/۰۳۱	۰/۴۹۴		
محل سکونت	۰/۲۹۷	۰/۰۲۱	۰/۶۴۰		
نوع مذهب	۰/۳۷۲	۰/۰۲۶	۰/۵۷۵		
شغل پدر	-۲/۵۵۰	-۰/۰۸۵	۰/۹۹۹		
شغل همسر	-۰/۷۳۰	-۰/۰۴۹	۰/۱۳۶		
شغل مادر	۰/۴۰۷	۰/۰۲۵	۰/۴۹۹		
قومیت	-۰/۲۲۷	-۰/۰۱۶	۰/۷۲۷		

در این بین میزان تحصیلات نقش اساسی را دارد؛ به طوری که، با افزایش سواد، نگرش موافق به مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شود و ویژگی‌های اجتماعی دیگر آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ چنانکه زنان، با قومیت‌های متفاوت، در میزان نگرش تفاوتی ندارند و نوع مذهب (شیعه و سنی) آنان سبب نگرش متفاوت به مشارکت اجتماعی نمی‌گردد. همچنین، تفاوت چندانی بین زنان روستایی و شهری مشاهده نشده است، به ویژه در آنجا که میزان سواد نسبتاً بالاست این پدیده کاملاً مشهود است.

بنابراین، با توجه به نقش سواد (آموزش)، به عنوان یکی از عناصر اصلی ارتباط فرد با مرزهای خارج از ذهنیتهای گذشته و سستی وی، و آشنا شدن با تحولات اجتماعی و اندیشه‌های جدید بدیهی است که انتظار شکل‌گیری ایدئولوژی جدید در زنان غیر منتظره نیست. این امر می‌تواند در قالب رفتارهای اجتماعی جدید بروز نماید و به مطالبات اجتماعی آنان عمق بخشد و با توجه به روند افزایش تعداد باسوادان در زنان - که خود نشان‌دهنده جستجوی نقش جدید است - در آینده، گستردگی بیشتری یابد. به عبارت دیگر، در جامعه زنان استان گلستان، بدون توجه به تفاوت‌های اجتماعی (قومی، مذهبی، جغرافیایی، خانوادگی) نوعی توافق درباب مشارکت اجتماعی شکل گرفته است که می‌تواند، به عنوان یک محور ارزشی، نقطه مشترک تمامی زنان این استان باشد. چه بسا این جمعیت، در آینده، در قالب یک شعار گرد هم آمده و یک صدا مطالبات اجتماعی خویش را بیان دارند. البته مطالعات در کشورهای دیگر در خصوص زنان نشان داده است که این یک حرکت جهانی است (عبداللهی، ۱۳۸۳؛ نجفی‌نژاد، ۱۳۸۴؛ نظری، ۱۳۸۰؛ تورن، ۱۳۸۱؛ Giddense, 1992).

رسالت جامعه‌شناسان، در سطح نظری، ایجاب می‌کند که، با تولید ایده‌ها و داده‌های علمی، چهارچوب معتبر و ارزشمندی برای تبیین این پدیده

بنابراین، سطح تحصیلات زنان، تبیین‌کننده اصلی میزان نگرش زنان به مشارکت اجتماعی است. با توجه به مطالعات (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۷) میزان سواد می‌تواند قویترین متغیر تأثیرگذار بر متغیرهای دیگر چون وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، محل سکونت، نوع برداشت از مذهب و باورهای قومی باشد؛ از این‌رو، نقش اصلی را در چگونگی شکل‌گیری نگرش زنان دارد.

در جمع‌بندی این پژوهش، با توجه به چهارچوب تبیین تحقیق، می‌توان گفت که میزان تحصیلات زنان، به عنوان یکی از کانالهای اصلی ارتباطی آنان با نهادهای اجتماعی (از جمله آموزش و پرورش و رسانه‌های گروهی) میزان نگرش آنان را به مشارکت اجتماعی تعیین می‌کند؛ از این‌رو، ویژگی‌های اجتماعی دیگر (سن، محل تولد، محل سکونت) در سایه میزان سواد آنان قرار می‌گیرد، زیرا امروزه نقش اساسی را در اجتماعی شدن افراد نهادهای رسمی دارند. نهادهای اجتماعی سبب می‌شوند که باورهای سنتی رنگ باخته و مجال رشد و نمو نیابند. باورهای جدید مرزهای قومی و مذهبی و جغرافیایی را درنوردیده و خود در پی شکل‌دهی مرزهای جدید هستند که در قالب محدودیت‌های سنتی نمی‌گنجد. البته این همه نتیجه نوع جامعه‌پذیری است که در حال حاضر در جامعه زنان در حال شکل‌گیری است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سنجش میزان نگرش زنان به مشارکت اجتماعی در استان گلستان نشان‌دهنده باورهای عمومی آنان به مشارکت اجتماعی فعال در عرصه‌های اجتماعی است. اگرچه، با توجه به نوع مشارکت (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی)، درجه نگرش متفاوت است و زنان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی را ترجیح می‌دهند.

ارائه کنند. در سطح ایران مطالعات عمیقتر در ارائه راهبردهای مناسب دریاب چالشهای رودرو با پدیده یادشده ضروری به نظر می‌رسد. در سطح منطقه، با توجه به ویژگیهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی استان گلستان، پژوهشهای گسترده‌تر دریاب هویت اجتماعی زنان در قالب قومیتها، مذاهب، گروههای اجتماعی و ... ضرورت اساسی دارد.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران، نشر نی؛
- آفاری، ژانت (۱۳۷۷)، *انجمنهای نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو؛
- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۱)، «زنان شاغل و نقش آنها در توسعه کشور» فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۰۴، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۹؛
- پیروزیخت، معصومه (ترجمه: ۱۳۷۴)، «سهم زنان از مشاغل سیاسی چقدر است، روزنامه همشهری، شماره ۹۱۶؛
- نورن، آلن (۱۳۸۱)، «گفتگو با آلن نورن»، توسط امیرنیک‌پی، مجله جامعه‌شناسی ایرانی، دوره چهارم، شماره ۱؛
- توکلی خمینی، نیره (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی صنعتی*، تهران، دانشگاه پیام‌نور؛
- حسینی، سیدابراهیم (۱۳۷۹)، «فمینیسم علیه زنان»، *فصلنامه انتقادی و فلسفی و فرهنگی*، شماره ۱۷، اندیشه؛
- راش، مایکل (۱۳۸۱)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت؛
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۶)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۳، تهران، امیرکبیر؛
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *مقدمه بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، سروش؛
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گلستان (۱۳۸۰)، *آمارنامه استان گلستان*، ۱۳۷۹؛
- سلطان‌محمدی، زلیخا (۱۳۸۰)، «نقد و بررسی کتاب جامعه‌شناسی خانواده»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۴۲-۴۳، سازمان چاپ و انتشارات وزات فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۰۶-۱۰۷؛
- سیادت‌نسب، سیدمهرداد (۱۳۸۰)، «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهر یاسوج»، *فصلنامه آرای دلان*، شماره ۴، اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی کهگیلویه و بویراحمد؛

سیدان، فریبا (۱۳۸۰)، *فمینیسم و دانش، کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۴۴-۴۳، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۶-۹۳؛

شادی‌طلب، ژالد (۱۳۸۱)، *توسعه و چالشهای زنان ایران*، تهران، قطره؛

شرمن و وود (۱۳۶۸)، *دیدگاههای نوین جامعه‌شناسی*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران، کیهان؛

شعبانی (۱۳۷۵)،

صبوری، منوچهر (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، سخن؛

صفائی، سهیلا (۱۳۸۰)، «هویت فرهنگی و نسبت آن با زنان ایرانی»، *نامه پژوهش*، شماره ۲۲ و ۲۳، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۶)، *تفسیرالمیزان*، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی و سید محمد خامنه، ج ۴، قم، موسسه انتشارات دارالعلم؛

عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «زنان و نهادهای مدنی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲، ۹۹-۶۳؛

عقیلی، سید محمود (۱۳۸۰)، *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، استانداری گلستان؛

علویقی، علی‌اکبر (۱۳۵۷)، *زن در آینه تاریخ*، تهران، انتشارات چاپ؛

عنایت، حلیمه (۱۳۷۵)، *تحقیقی پیرامون تأثیر اشتغال مادران بر ابعاد مختلف خانواده استان فارس*، شیراز، انتشارات کمیسیون زنان؛

فاضلی، عصمت (۱۳۸۲)، «بررسی وضعیت حضور زنان در آموزش عالی»، *فرهنگ و پژوهش*، شماره ۱۲۷، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۶-۴۷؛

فردرو، محسن (۱۳۸۱)، *مطالعه وضع فرهنگ عمومی*، تهران، روزین؛

قائم‌مقامی، فرست (۱۳۵۵)، *آزادی یا اسارت زنان*، تهران، انتشارات جاویدان؛

کتابسی، محمود؛ قاسمی، وحید (۱۳۸۱)، «نظریه مبادله و مشارکت سیاسی زنان در مراکز شهری استان اصفهان»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۹، ۵۶-۳۵؛

کیهانی، معصومه (۱۳۸۱)، *نحوه انعکاس مسائل زنان در ۱۰ روزنامه تهران*، ۱۳۷۹، *فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی*، شماره ۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۷۷-۶۴؛

گسیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی عمومی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی؛

مطیع، ناهید (۱۳۵۲)، *نقش زنان در توسعه*، تهران، انتشارات روشنگران؛

نجفی‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۴)، *بررسی تأثیر فرهنگ اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی زنان ترکمن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی کرج؛

نظری، محمد (۱۳۸۰)، *بررسی وضعیت و زمینه‌های اشتغال زنان استان گلستان*، استانداری گلستان؛